



امیری حرف‌های امیرآبادی را تکذیب کرد
ابهام در تاریخ حضور
رئیس جمهوری در بهارستان

گروه سیاست: درحالی‌که معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری روز چهارشنبه گذشته در آخرین اظهارنظر رسمی از سوی دولت اعلام کرده بود که هنوز موعد قانونی حضور رئیس‌جمهور در مجلس مشخص نشده است...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۷ • ۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۱۹ آگوست ۲۰۱۸



شهادت امام مجتهد(ق) را تسلیت می‌گوییم

جهانگیری:

متأسفانه فساد به برخی مسئولان
بالای کشور رسیده است

گروه سیاست: معاون اول رئیس‌جمهوری روز گذشته در بازدید از خبرگزاری ایرنا گفت: «شرایط کشور شرایط خطیری است و به جهت اقتصادی در این مقطع خاص قرار گرفته‌ایم ولی به معنای آن نیست که در بن‌بست باشیم و پیش‌روی ما راهکارهایی نیست»...

صفحه ۱۵

سال پانزدهم • شماره ۳۲۲۴ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

چرا نخبگان به ایران برگردند؟

مهدی زارع



در هفته‌ای که گذشت، در یک جلسه مصاحبه برای جذب دو جوان از متقاضیان کار در پژوهشگاه‌های داخلی شرکت داشتیم که هر دو در کشورهای غربی هم‌اکنون مشغول تدریس در دانشگاه‌های معتبرند. وقتی سؤال کردیم چرا به‌ویژه در این شرایط که از نظر اقتصادی شرایط سختی است، غرب را رها می‌کنید و به ایران برمی‌گردید، پاسخ هر دو (که جداگانه مصاحبه دادند) کمابیش مشابه بود: ما هرچه بیشتر در آن کشور خارجی ماندیم، بیشتر حس کردیم که جای ما آنجا نیست. ما برای آن کشورها ساخته نشده‌ایم و هرچند طولانی‌مدت‌تر هم بمانیم، فعال درجه اول در محل کار و زندگی‌مان به حساب نخواهیم آمد. ما برای ایران ساخته شده‌ایم و «برای ایران» به کشورمان برمی‌گردیم. آنان بدون توجه به جو و فضای موجود و قیمت دلار و احتمالاً سرزنش آشنایان و اطرافیان و اعضای فامیل به کشور برمی‌گردند. ولی واقعا چرا نخبگان به کشور برمی‌گردند و اساسا چرا نیاز است که در شرایط سخت «نخبگان» تحصیل‌کرده‌ها و گروه برگزیده جامعه» به کشور برگردند یا در آن بمانند؟ در ایران کنونی بعد از ۱۸ اردیبهشت که ترامپ از توافق‌نامه بین‌المللی اتمی (برجام) اعلام خروج کرد، عملاً فضای منفی روانی بر بازار حاکم شد. هنوز تحریمی شروع نشده عده‌ای با انگیزه شخصی یا با احتمالی براساس برنامه‌ای که دانسته یا ندانسته عامل اجرای آن شده بودند، با خرید هرچه بیشتر ارز و سکه طلا از بازار موجب سقوط ارزش ریال شدند. مدیریت ناقص بی‌توجه به واقعیت‌های میدانی نیز مزید بر علت شد و شرایط به گونه‌ای شد که مردم عوارض توری‌می‌اش را هم‌اکنون از جیب خود می‌پردازند. از ۱۵ مرداد که از اتفاق با هفتادوسومین سالروز بمباران اتمی هیروشیما از سوی آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم هم‌زمان شده بود، دور جدیدی از تحریم‌ها از سوی آمریکا بر ایران تحمیل شد. اگر در مرداد ۶۵ سال قبل در سال ۱۳۳۲ دو دولت آمریکا و انگلیس با حمایت عوامل داخلی‌شان مشغول زمینه‌چینی زنده‌بانی برای کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت قانونی زنده‌یاد دکتر محمد مصدق بودند و تبلیغات و جنگ روانی خود را با تزریق پول به عوام‌لش‌ان و با اعزام مأموران‌شان حتی‌الامکان در پشت صحنه انجام می‌دادند، امروز و بعد از ۶۵ سال علناً این فشار روانی و اقتصادی را اجرا می‌کنند. رادیوها، تلویزیون‌ها و وسایل ارتباطی‌شان مستقیماً حاضرند هر نوع شایعه‌ای را به خبری برای برهم‌زدن آرامش کشور تبدیل کنند. همین چند شب قبل یکی از شبکه‌های انگلیس فرد مشکوک‌ی را که عملاً نه جزء هیچ هیئت دیپلماتیکی بوده و نه جایگاهی آکادمیک دارد، روی خط آورد تا بگوید که در مذاکرات ۲۰ سال قبل مربوط به دریای مازندران (کاسپین) خودش حضور داشته (که البته حضور نداشته) و این هیئت ایرانی بوده که همان زمان از سهم ۵۰ درصد در دریای مذبور صرف‌نظر کرده است (که البته براساس آنچه متخصصان تاریخ و حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی می‌گویند چنین سهم ۵۰ درصدی‌ای عملاً وجود تاریخی و قانونی نداشته و در چنان مذاکراتی هم نه آن فرد مدعی خارجی حضور داشته و نه هیئت ایرانی از سهمی صرف‌نظر کرده است). گاهی هم دستگاه‌های خبری‌رکنی‌شان از شبه‌خبرها یا دروغ‌هایی که از منابع داخلی گردآوری می‌کنند (مانند کم‌شدن ۹ میلیارد دلار پول در ایران یا احتمال فرونشست تخت جمشید بر اثر خشک‌سالی و فرونشست زمین!)...

ادامه در صفحه ۴

صفحه ۸

کوفی عنان درگذشت
مبارزه نافرجام
برای صلح

عکس: AFP

صفحه ۷

یادداشت

به مردم اطمینان ارزی بدهید



مهدی تقوی
اقتصاددان

دوره اوپاما دو مرحله منابع ارزی حاصل از اجرای برجام در اختیار ایران قرار گرفت. سود ناشی از صادرات گازی و پتروشیمی نیز افزایش چشمگیری داشته است. حال معما اینجاست که با این شرایط و درآمدها چگونه در ۴۸ ساعت دلار به بالای شش هزار تومان رسیده است و روند آن تا ۱۰ هزار تومان متوقف نمی‌شود؟ اواخر سال گذشته و تا قبل از خروج ترامپ از برجام، تصور می‌شد یکی از راه‌های تأمین کسری بودجه دولت، بازی با نرخ ارز است که البته مختص این دولت نبوده و در دولت‌های پیشین هم چنین رویه‌هایی مطرح بوده است. اما تداوم این شرایط یقیناً به نفع دولت هم نخواهد بود. باید توجه داشت در همین مدتی که رشد نرخ ارزها رخ داد، قدرت خرید حقوق‌بگیران به دلیل ضعیف‌شدن ریال به‌شدت کاهش یافته است؛ بنابراین همه آن وعده‌های پایان سال دولت درباره افزایش ۱۰ درصدی حقوق کارمندان عملاً در سایه این شرایط از بین رفته است. تب دلار نه تنها اثر ۱۰ درصد رشد حقوق را از بین برده است، بلکه بنیه اقتصادی بیشتر مردم را کاهش داده و البته برای برخی نیز رانت‌های چندصد میلیون دلاری ایجاد کرده است. افزایش نرخ تورم نیز در آینده‌ای نزدیک رخ خواهد داد. متأسفانه عملکرد بانک مرکزی در دوران سیف در نقش متولی بازار ارز، مخرب بوده است. البته این وضعیت اقتصادی حتماً ریشه در گذشته و سیاست‌های نادرست دارد. در دوره احمدی‌نژاد با اجرای طرح حذف یارانه‌ها و آزادسازی نرخ حامل‌های سوخت به جای افزایش قدرت خرید مردم، این تورم بالای ۴۰ درصد بود که خود را نشان داد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

همان آتش و همان کاسه



احمد عظیمی‌بلوریان
استاد پیشین مریدند

خانه‌ها و کارگاه‌ها، زمین‌های اطراف شهرها را از پوشش گیاهی تهی و آنها را از آبادی (آباد و سرسبز) به بیابان (جایی بی‌آب) تبدیل می‌کرد. بعدها آموختیم که همین نظافت مختصر در گذشته‌های نه‌چندان دور در اروپا هم نبوده است. گرمابه از شرق به غرب رفته است. در همین صد سال گذشته که کشور ما در فقر انرژی و آب بوده از منابع سرشار انرژی و آب برخوردار بوده است؛ اما نفت ایران را انگلیسی‌ها غارت می‌کردند و ایران از باکو نفت وارد می‌کرد که کالایی لوکس به شمار می‌آمد. آب زیر زمین را با بهترین متد روزگار یعنی با حفر قنات به اراضی شهری و روستایی می‌رساندند. قنات ایران امروز ثبت جهانی شده است؛ اما امروز قنات هدر داده می‌شود و با استفاده بی‌رویه از تکنولوژی حفر چاه عمیق سطح آب چنان پایین آمده که قنات کارایی خود را از دست داده است. در استفاده از انرژی به شکلی عمل شده که آلاینده‌های مواد هیدروکربوری شهرهای ما را به کشتارگاه‌های زیبا تبدیل کرده است. در طول تاریخ، کشورهای آسیایی - از ایران تا ژاپن - با اختراع و استفاده از کرسی، محیط زندگی خود را در هوای سرد زمستان به نحو شایسته و با کمترین انرژی ممکن گرم می‌کردند. امروز به برکت تکنولوژی‌های استخراج نفت و گاز چنان در مصرف انرژی دست‌ودلباز عمل می‌شود که علاوه بر آلودگی محیط زیست اگر یک روز انرژی کافی به نیروگاه‌ها نرسد، باید مصرف نیروی برق را جیره‌بندی کرد؛ کاری که هم‌اکنون در تهران صورت می‌گیرد. استانداردهای بهداشتی مدرن از غرب به ایران آمده؛ اما در فرایند آن تجربیات تاریخی کنار نهاده شده و مردم با فراموش کردن روش‌های صرفه‌جویی در انرژی و آب، امروز با مصرف بیش از صد برابر انرژی مورد نیاز در مقایسه با معیارهای گذشته بازم در تنگنا قرار گرفته‌اند. در اوایل انقلاب که کمبود انرژی مردم را رنج می‌داد، نگارنده با وجود اینکه هیچ تخصصی در کاربرد انرژی نداشتم، از روی کنج‌کاوی، دست به ساختن کرسی برقی زدم. با تولید و تکثیر آزمایشی کرسی برقی تاشو، به روش تولید انبوه، آت‌انجا که توانستم به مردم در محیط اطراف خودم خدمت کردم.

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی جناب آقای علی شمعانی

مصیبت در گذشت برادر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

روزنامه شرق

فریدون مجلسی، از نویسندگان «شرق» و تحلیل‌گران روابط بین‌الملل، در پاسخ به یادداشت روز پنجشنبه، توضیحات زیر را ارسال کرده است: در صفحه اول روزنامه «شرق» ۲۵ مرداد ۱۳۹۷ در یادداشتی زیر عنوان «سهم ایران در خزر چقدر است؟» مطالبی به قلم آقای «مهرداد میرسنجری، استادیار دانشگاه» در دفاع از تعلق ۵۰ درصد دریای خزر به ایران به چاپ رسید. در این یادداشت به همه کسانی که عقاید متفاوت با او دارند، اهانت روا داشته و اتهامات گوناگون وارد کرده است. چون من از ۲۵ سال پیش نخستین کسی بودم که تصور تعلق ۵۰ درصدی دریای خزر به ایران را زیاده‌خواهانه نامناسب، غیرمستند و مغایر منافع ایران دانستم و با توجه به یادداشت روز چهارشنبه خود در «شرق»، بخشی از توهین‌های او را متوجه خود می‌دانم، ضروری می‌دانسم، به وی تذکر دهم لازمه واردشدن به یک بحث مهم و جدی، کاربرد زبان منطقی و مستدل است. نویسنده باید سخنان خود را با ادب بیان کرده و اگر پاسخی دارد، ارائه کند. در جایگاه استادیاری، تفاوت جایگاه شعار و شعور برای منافع ملی و سخن‌گفتن با افرادی را که هم‌نظر وی نیستند، پیامیز تا بتواند پیام‌وزاند. درباره سهم ایران در خزر، فقط دو نکته را یادآوری می‌کنم؛ یکی اینکه در معاهدات مرزی حدود مورد نظر دقیقاً مشخص و ذکر می‌شود و در همین قرارداد دریانوردی و بازرگانی ۱۹۲۰ ایران و شوروی که به‌موضوع آب ساحلی، به‌طور ویژه به مسئله ارضی و مرزی پرداخته، مقدار آن را دقیقاً ۱۰ میل تعیین کرده است. با استناد به دریای مشترک که می‌تواند اشتراک از یک تا ۹۹ درصد باشد و باز هم مشترک است، یا به اعتبار استفاده مساوی از آب رودخانه‌های مرزی، نمی‌توان نتیجه گرفت «پس منظور همان تعلق ۵۰ درصد به ایران» است. یک نکته دیگر را هم باید بدانند؛ با اختصاص ۱۰ میل آب اختصاصی ساحلی در همان قرارداد ۱۹۲۰- هر میل هزارو ۸۵۲ متر است- جمع آن در شش هزارو ۵۰۰ کیلومتر محیط دریا می‌شود ۱۲۰ هزار کیلومترمربع و با توجه به اینکه مساحت دریای خزر ۳۷۰ هزار کیلومترمربع است، به‌این‌ترتیب یک‌سوم آن، یعنی در حدود ۳۰ درصد مساحت دریا اصولاً از آمار نویسنده یادداشت روز پنجشنبه خارج می‌شود. او و افرادی که دلواپس سهم ایران از دریای خزر هستند، بدانند ۵۰ درصد ۷۰ درصد باقی‌مانده می‌تواند ۳۵ درصد دریا باشد. به عبارات دیگر، ۵۰ درصد مورد اشاره در مورد سهم ایران از خزر اصلاً موضوعیت ندارد. توصیه نگارنده به دولت و وزارت خارجه این است که برای آرامش‌بخشیدن به این‌وطن‌پرستان موضوع سهم و درصود و خط مرز را به دوری بین‌المللی لاهه ارجاع کنند.

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۳۳



بانک پارسی ساگاد

سازمان آگهی‌ها

۸۸۷۹۲۴۳۴ — ۸۸۱۹۲۸۷۷



رجوع به صفحه ۵۵

